

واکاوی راه حل تعارض «خبر صحیح» با «خبر ضعیف» منجر به شهرت و علل آن*

سیدعلی دلبری (نویسنده مسئول)**

علی اسدیان***

سید مهدی سیدی****

مرتضی پژوهنده*****

چکیده

«سنت» پس از قرآن کریم به عنوان دومین چشمه جوشان معارف دین، در امتداد حیات خود حوادثی را از قبیل وضع، تحریف و تقیه و... تجربه کرده است که منجر به بروز اختلاف بین اخبار شده و از این رو نقد و بررسی آن ضروری شده است. مسلمانان در همان دوران حضور معصومان علیهم السلام به این مهم توجه داشته و در ادامه اندیشمندان دینی هم در ارائه شیوه صحیح تعامل با روایات، نگاشته‌هایی برجای گذاشتند. ثمره این توجه، بیان معیارهایی برای رفع اختلاف اخبار همچون بررسی سندی روایت، توجه به عمل یا اعراض مشهور عالمان از آن جمله است. لیکن گاهی میان همین معیارها در طرفین یک بحث تعارض رخ می‌دهد که به دلیل قوت معیار هر یک از طرفین، رفع تعارض دشوار می‌شود؛ مانند اینکه بین روایت صحیح سندی

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** مدرس درس خارج حوزه و دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی / delbari@razavi.ac.ir

*** طلبه سطح چهار و دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی/

Asadian۶۸۸۱@yahoo.com

**** طلبه سطح چهار و دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی/

sedmahdi.۱۷۰۳۱@gmail.com

***** طلبه سطح چهار و دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی/

Pazhoohandeh۱۳۶۷@gmail.com



با روایت ضعیف دارای شهرت عملی تعارض رخ دهد. در این نوشتار به روش توصیفی، تحلیلی به این مهم پرداخته شده است. آنچه در رفع چنین تعارضاتی اهمیت دارد شناسایی قرینه اقوی در مسئله است که پس از بررسی دیدگاه‌های نظری و مواجهه عملی علما روشن شد ادله تقدیم قرینه شهرت از قوت بیش‌تری نسبت به معیار صحت سند برخوردار است؛ براین اساس خبر ضعیف سندی مورد عمل مشهور بر روایت صحیح‌السند مقدم خواهد بود.

کلید واژه‌ها: تعارض احادیث، شهرت عملی، حدیث صحیح، ضعیف

منجبر.

مقدمه

مراجعه به روایات معصومان علیهم‌السلام برای دریافت معارف صحیح از دین امری انکارناپذیر است، اما وجود اختلاف در میان همین روایات باعث شد که تشخیص اخبار صحیح و معتبر جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. از دیرباز تشخیص صحت و اعتبار روایات مورد اختلاف عالمان بوده و دو دیدگاه کلی «راوی محوری» (انحصار قرینه صحت خبر در وثاقت راویان زنجیره سند) و «قرینه محوری» (تأثیر همه قرائن در صحت خبر مانند عمل اصحاب به آن) به وجود آمد. اوج اختلاف این دو نگاه در تعارض بین دو خبری است که یکی دارای قرینه وثاقت راوی می‌باشد و دیگری قرینه عمل اصحاب را بر صحت خود به همراه دارد. به دیگر سخن، گاه تعارض میان خبر مورد عمل اصحاب ولی با زنجیره سند ضعیف و خبر صحیح‌السند مورد اعراض اصحاب است.

در این فرض تعارض میان خبر ضعیف‌السند منجبر به شهرت عملی با حدیث صحیحی که فقیهان از آن رویگردان بوده اند، وظیفه چیست؟ کدام دلیل، اطمینان‌بخش بوده و قابل پذیرش از سوی عقلا است؟ کلام معصومان علیهم‌السلام مؤید بر تقدیم کدام یک از طرفین تعارض می‌باشد؟

نظر به اینکه استفاده از راه‌حل‌های مختلف رفع تعارض، منجر به ارائه دیدگاه‌های دینی متفاوت می‌گردد و پرداختن به راهکار رفع تعارض فوق در دانش اصول و فقه



استدلالی کمرنگ بوده و در میان پژوهش‌های اخیر هم موردی که به خصوص آن پرداخته شده باشد، یافت نشد.

این نوشتار سیری در کتب اصولی و فقه استدلالی داشته و با تنظیم ادله تقدیم هر یک از دو خبر بر دیگری، راه را برای انتخاب نظریه صحیح هموار نموده است. به نظر می‌رسد با نگاه عقلایی در تکیه به قرینه قوی‌تر در صورت تعارض بین قرائن مختلف و با نگاه مجموعی به ادله، می‌توان تقدیم قرینه عمل مشهور بر صحت سند را به دست آورد.

۱. مفهوم‌شناسی:

برای روشن شدن محل بحث، به تبیین برخی از مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازیم:

۱.۱. خبر

«خبر» در لغت به معنای علم بوده (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۲۲۹) و در اصطلاح علوم حدیث شیعه مرادف با حدیث است (مامقانی، ۱۴۲۸: ۱/۵۰) و به کلامی گویند که قول یا فعل یا تقریر معصوم را حکایت می‌کند. (همان: ۱/۵۲)

پی بردن به صحت و اعتبار خبر دارای اهمیت فراوان بوده که به این لحاظ، اصطلاح «صحیح و ضعیف» به وجود آمد ولی در تعریف آن اختلاف شد. خبر صحیح نزد قدما به هر حدیثی که همراه با قرائن اعتمادآور برای ایشان باشد (عاملی (شیخ بهایی)، ۱۴۱۴: ۲۶۹؛ صدر، حسن، بی‌تا: ۱۱۶) و در اصطلاح متأخران به روایتی اطلاق می‌گردد که سند آن متصل به معصوم و تمامی روایان آن امامی عادل باشند. (شهید ثانی (عاملی)، ۱۴۱۳: ۷۷)

۲.۱. تعارض اخبار

تعارض در لغت از «عرض» به معنای اظهار بوده و در اصطلاح به تنافی دو دلیل به اعتبار مدلول آن دو گویند. (انصاری، ۱۴۱۶: ۲/۷۵۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۵: ۱/۲۷۱) بنابراین تعارض اخبار به این معناست که مدلول دو خبر با یکدیگر تنافی داشته باشد. علما برای وقوع آن شرایطی و برای حل آن قواعدی را بیان کردند.



۳.۱. شهرت عملی

«شهرت» در لغت به معنای آشکار و روشن بودن است، چنان‌که ابن فارس در معنای آن آورده است: «الشین و الهاء و الراء أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على وضوح في الأمر وإضائة. من ذلك ... الشهرة: وضوح الأمر» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۲۲۲) در اصطلاح هم از جنبه‌های مختلف دارای تقسیمات گوناگون بوده، ولی محل بحث درباره شهرت عملی است که در تعریف آن گفته‌اند که مشهور فقها در مقام فتوا روایتی را مستند قرار داده و با تکیه بر مضمون آن، فتوا داده‌اند. (نائینی، ۱۳۷۶: ۳/۱۵۳)

۲. نگاه اجمالی به آراء

شناخت روش‌های حل اختلاف و تعارض اخبار تأثیر زیادی در استنباط معارف و احکام دین دارد و مهم‌تر از شناخت روش‌ها، شناسایی کارآمدی روش‌ها در مقام عمل بوده که این مهم با سیر در مباحث نظری فقها و محدثان و همچنین مواجهه عملی ایشان در هنگام تعارض، قابل شناسایی است.

برایند دیدگاه نظری علما و همچنین عملکرد ایشان در رفع تعارض بین خبر ضعیف‌السند حمایت‌شده با شهرت در مقابل خبر صحیح‌سندی، دو رویکرد کلی دریافت می‌شود؛ کنار گذاشتن یکی از دو خبر و یا توقف و احتیاط در آن. (انصاری،

۱۴۱۶: ۱/۷۲)^۱

با توجه به اینکه در کنار گذاشتن یکی از دو خبر، برخی جانب شهرت را گرفته و خبر صحیح را کنار می‌گذارند و برخی صحت سند روایت را مقدم دانسته‌اند، می‌توان در رفع تعارض مذکور، اقوال سه‌گانه زیر را مطرح کرد:

۱. اخذ به روایت ضعیف‌السند دارای شهرت عملی (قدما و مشهور متأخران) (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۹۱):

۱. ربما يظهر من العلماء من التوقف في العمل بالخبر الصحيح المخالف لفتوى المشهور أو طرحه.

۲. تقدیم روایت صحیح‌السند بر عمل مشهور (آیت الله خوئی) (خوئی، ۱۳۷۷: ۱۹/۱)؛

۳. توقف و احتیاط عملی.

برای روشن‌تر شدن اقوال، آن را در قالب نمونه زیر بیان می‌کنیم:

از جمله فروع فقہی مورد اختلاف، وظیفه ملکف جاهل به جهت قبله است. مشهور، خواندن نماز به چهار جهت را لازم دانسته‌اند، اما برخی مکلف را مخیر در خواندن نماز به یک جهت می‌دانند. نگاه به ادله اقوال، نشان از وقوع تعارض خبر ضعیف‌السند مورد عمل مشهور با خبر صحیح‌السند است.

دلیل قول مشهور تعدادی اخبار ضعیف‌السند است که شهرت عملی جابر آن بوده است. (نائینی، ۱۴۱۱: ۱/۱۶۰)^۱ اما برخی قول مشهور را خالی از دلیل قابل اعتماد دانسته (خویی، ۱۴۱۸: ۱۱/۴۳۸) و بر اساس روایات صحیح‌سندی، خواندن نماز به یک جهت را کافی می‌دانند.

آیت الله خوئی در این باره می‌نویسد:

قول قوی‌تر در محل بحث، کفایت خواندن نماز به یک جهت بوده که به صراحت در روایت صحیح‌السند زراره و محمد بن مسلم بیان شده است که امام باقر علیه السلام فرمودند: جاهل به جهت قبله به هر جهتی نماز بخواند، کافی است. (خویی، ۱۴۱۸: ۱۱/۴۳۸)^۲

برخی هم از دادن فتوا توقف نموده و احتیاط را در نماز خواندن به چهار جهت قائل‌اند. (حکیم، ۱۴۱۰: ۱/۱۸۶)^۳

۱. علی‌ای حال یکفی دلیلاً لما نحن فیہ مرسلٌ خداش ۱ بعد جبره بعمل المشهور.

۲. فالأقوی اذن الاکتفاء بصلاة واحدة كما دلت علیه صریحاً صحیحة زراره و محمد بن مسلم عن ابی جعفر (علیه السلام) أنه قال: یجزئ المتخیر أبداً اینما توجه إذا لم یعلم این وجه القبلة.

۳. و مع الجهل بها صلی إلى أربع جهات علی الأحوط وجوباً.

۳. بیان مستندات اقوال

برای هر یک از سه نظریه مذکور، به ادله‌ای می‌توان تمسک نمود که به اجمال بدان پرداخته می‌شود:

۳.۱. ادله دیدگاه نخست (تقدیم خبر ضعیف‌السند دارای شهرت عملی)

برایند کاوش در کتب اصولی و فقه استنباطی علما چنین است که اکثر آنان در هنگام تعارض خبر ضعیف‌السند منجبر به عمل مشهور با خبر صحیح‌السند، خبر مورد عمل مشهور را مقدم می‌دانند:

أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ التَّعَارُضُ بَيْنَ الضَّعِيفِ الْمُنْجَبِ بِالشَّهْرَةِ وَالصَّحِيحِ الْغَيْرِ الْمُنْجَبِ، يَكُونُ الضَّعِيفُ مَقْدَمًا عَلَيْهِ، كَمَا هُوَ طَرِيقَةُ الْقَدَمَاءِ وَأَكْثَرِ الْمُتَأَخَّرِينَ. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۹۱؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/ ۴۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۱: ۲۵۹/ ۴۳؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۶/ ۱۷۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۶/ ۲۳۷؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۷: ۸۱؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۲۹)

کلام شهید اول در ذکری نیز دال بر ترجیح شهرت عملی در صورت تعارض با حدیث صحیح است آن‌جا که می‌فرماید: اگر شهرت مستند به حدیث ضعیف با حدیث قوی تعارض نماید، جانب شهرت ترجیح دارد. (شهید اول، ۱۴۱۹: ۱/ ۵۲)^۱

برای این دیدگاه می‌توان ادله‌ای برشمرد:

۳.۱.۱. توجه به جایگاه علما

مهم‌ترین دلیل بر حجیت اخبار آحاد، بنای عقلاست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۸۹؛ سبحانی، ۱۴۱۴: ۳/ ۳۱۰) و تحقق این بنا در عمل به خبر واحد در صورت حصول اطمینان (علم عادی و عرفی) به صدور خبر به دست می‌آید. بنابراین آنچه در مباحث حجت باید بحث کنیم، مصادیق اطمینان‌زایی است که یکی از مهم‌ترین آن «عمل مشهور» به خبری است و در مقابل، «اعراض مشهور» از روایتی موجب عدم حصول اطمینان به صدور آن می‌گردد. توجه به جایگاه فقهای متقدم به عنوان

۱. لو عارضَ الشهرةُ المستندةُ إلى حدیثٍ ضعیفٍ حدیثٌ قوی، فالظاهرُ ترجیحُ الشهرة.



خبرگان نزدیک به عصر معصومان علیهم‌السلام، مشایخ اجازه و... تصدیق مطلب فوق را در پی دارد.

مرحوم بهبهانی در بیان دلیل تقدیم خبر ضعیف منجبر به شهرت بر خبر صحیح، این وجه را بیان فرمودند:

توجه به خصوصیات و حالات موجود در علما مثل خبرویت، کاردانی، مجاورت با عصر معصومان علیهم‌السلام، شیخ اجازه، استوانه‌های مکتب شیعه، عهده‌دار کارهای شیعیان در زمان غیبت و فقهای آنان در زمان حضور و غیبت امام علیه‌السلام مجدّدان دین اسلام در هر زمان، حجت الهی و حاکم بر بندگان که در روایات هم به آن اشاره شده است، موجب تقدیم خبر ضعیف مورد عمل علما بر خبر صحیح‌السند می‌گردد. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۹۱)

آیت الله بروجردی به این وجه در سخنان خود اشاره نموده است:

بنای عقلا بر حجیت خبر واحدی که مشهور به آن عمل نکردند، ثابت نیست؛ همان مشهوری که جزء افراد خاص و یاوران ویژه معصومان علیهم‌السلام هستند و به سخنانی که از ایشان در مقام بیان حکم واقعی است، نهایت توجه را ابراز می‌کنند. (بروجردی، ۱۴۱۶، ۲/۱۹۷)

از این بیان به خوبی روشن می‌شود که خبر صحیح‌السندی که اصحاب به آن عمل نکردند، تحت دلیل حجیت قرار نمی‌گیرد. ضمن اینکه اطمینان به صدور خبر ضعیف‌السندی که اصحاب به آن عمل نموده‌اند، به دست می‌آید.

۳. ۱. ۲. اقوی بودن قرینه شهرت عملی نسبت به وثاقت راوی

نزد قدما به حدیثی که به کمک قرائن، اعتماد به صدور آن از معصوم علیه‌السلام وجود داشته باشد، حدیث صحیح گفته می‌شود؛ قرائنی مانند نقل روایت در کتاب معتبر، موافقت حدیث با کتاب، سنت، عقل و علم، وثاقت راویان حدیث، عمل مشهور بر طبق آن و... که گاه از یک قرینه به تنهایی و گاهی از انضمام آن به دیگری، اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه‌السلام حاصل می‌گردد.

قرائن متعدد موجب آن است که هنگام تعارض با نگاه عقلانی، خبر محفوف به قرائن قوی‌تر را مقدم بداریم. محل بحث در حقیقت، تعارض خبر محفوف به قرینه عمل مشهور با خبر محفوف به قرینه وثاقت راویان است که برای حل آن باید دقت کرد که کدام قرینه قوی‌تر و در نتیجه مقدم است.

رسیدن به این مطلب با در نظر گرفتن این قاعده مشهور در سخنان فقها آسان است که: «أَنَّ الرِّوَايَةَ كُلَّمَا أَزْدَادَتْ صِحَّةً أَزْدَادَتْ ضَعْفًا وَرِيَاءً إِذَا أَعْرَضَ عَنْهَا الْأَصْحَابُ، وَكُلَّمَا أَزْدَادَتْ ضَعْفًا أَزْدَادَتْ قُوَّةً إِذَا عَمَلَ بِهَا الْأَصْحَابُ» (بروجردی، ۱۴۱۷: ۲۹۶)

مبتنی بر این قاعده، خبر ضعیف‌السند معمولاً به اصحاب از قوت بیش‌تری نسبت به خبر صحیحی که از آن اعراض شده، برخوردار است و در مقام تعارض بر آن مقدم خواهد شد.

بررسی کتب فقه استدلالی هم مؤید این مطلب است؛ برای نمونه صاحب‌ریاض در رد قول تحریم مسّ مصحف (نه نوشته آن) از سوی فرد جنب بر اساس روایت صحیح‌السند می‌نویسد: «روایت صحیح دال بر تحریم اقوی از روایت کتاب رضوی منجبر به اصل و شهرت نیست، بلکه این روایت ضعیف‌السند منجبر به شهرت قوی‌تر از آن روایت صحیح است» (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱/۲۲۸)^۱

بر اساس روش وثوق‌صدوری و معیار بودن اطمینان در حجیت روایات، اقوی بودن قرینه عمل مشهور در تعارض با وثاقت راوی روشن بوده و برخی اصولیان در مقام استدلال به قاعده فوق به آن اشاره کرده‌اند:

حجیت اخبار بر مدار حصول اطمینان است که عمل مشهور موجب اطمینان بیش‌تر به صدور شده و نشان از داشتن شرایط حجیت خبر می‌باشد، ولی عدم

۱. «لیس الصحیحُ اقوی من الرضوی بعد اعتضاده بالأصل و الشهرة، بل هو حینئذٍ مع اعتباره فی نفسه اقوی منه. فظهر ضعفُ القولِ بالتحریم و مستنده کما عن المرتضی».

عمل مشهور به روایت موجب کم شدن اطمینان شده و کاشف از نبود شرایط حجیت در آن می‌باشد. (آملی، ۱۳۸۶: ۴۹۹)^۱

مرحوم بهبهانی خبر عامی منجبر به عمل اصحاب را اقوی از خبر صحیح دانسته و در هنگام تعارض آن دو، ترجیح خبر منجبر بر صحیح‌السند را از امور قطعی می‌داند. (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۱۹۶/۹)^۲

۳. ۱. ۳. مهم‌تر بودن مقام فتوا نسبت به مقام روایت

وقتی صحبت از عمل مشهور به یک روایت می‌شود یعنی این‌که آن روایت، مورد استناد فقها در مقام فتوا قرار گرفته است آن‌گونه که از تعریف شهرت عملی برمی‌آید: «وَأَمَّا الشَّهْرَةُ الْعَمَلِيَّةُ: فَهِيَ عِبَارَةٌ عَنِ اشْتِهَارِ الْعَمَلِ بِالرَّوَايَةِ وَالِاسْتِنَادِ إِلَيْهَا فِي مَقَامِ الْفَتْوَى» (نائینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳/۳)

اما آن‌گاه که سخن از نقل روایت است این بدان معناست که راوی آن حامل روایت برای دیگری می‌باشد همان‌گونه که از معنای لغوی واژه «روایت» و نیز معنای اصطلاحی آن برمی‌آید. فیومی در المصباح چنین آورده است: عرب زمانی که شتر آب را حمل می‌کند، گویند «زَوَى الْبَعِيرُ الْمَاءَ» (فیومی، بی‌تا: ۲/۲۴۶) معنای اصطلاحی روایت هم سخنی است که گفتار و کردار یا تقریر معصوم علیه السلام را گزارش کند. (مامقانی، ۱۴۲۸: ۵۲/۱)؛ بنابراین روایت جنبه نقل، حکایت و گزارشگری دارد.

پر واضح است مقام فتوا که با فقاها و درایت همراه است، از اهمیت بیشتری نسبت به مقام روایت برخوردار می‌باشد، زیرا فتوای مفتی مستقیماً با عمل خود و همه مقلدین بر طبق آن ارتباط دارد، ولی روایت راوی فقط رساندن مروی به مقصد مروی‌عنه است.

۱. «و استدلوا علیه بان حجیة الروایة و عدمها تدور مدار الاطمینان بها و لاریب فی أنّ الاطمینان بها یزید مع اشتہار العمل بها لانه یکشف عن اشمالیها علی شرائط الحجیة کما انه ینقص مع عدم اشتہار العمل بها لانه یکشف عن عدم اشمالیها علی شرائط الحجیة...».

۲. «و الخبر العامی منجبر بالفتاوی، فیكون حجّة، بل و اقوی من الصحیح الذی لا یكون كذلك، و راجح علیه عند تعارضهما جزماً».



برای درک اهمیت مقام فتوا کافی است عملکرد فقیهان برجسته نسبت به فتوا دادن مورد توجه قرار گیرد. وقتی که مردم از شیخ انصاری با آن عظمت علمی و تقوا، فتوا و رساله عملیه می‌خواهند، قبول نمی‌کند و چنین پاسخ می‌دهد: «سعید العلماء مازندرانی (بابلی) از من اعلم است، او باید متصدی امر فتوا شود و رساله نشر نماید». در جایی دیگر سوگند یاد می‌کند که برای من زخم خنجر گوارتر است از جواب استفتاء در احکام غیر ضروری، خواه مستحب باشد خواه مکروه... (جناتی شاهرودی، بی تا: ۲۹۸)

فقیه ژرف‌اندیش و متبحر، ملا احمد نراقی کاشانی، صاحب «مستند الشیعه» می‌گوید: «اگر کوه‌های نراق را بر سرم فروریزند، تحملش آسان‌تر است از بیان فتوا در مقام پاسخ به استفتاء». (جناتی شاهرودی، بی تا: ۲۹۹)

این مواجهه علما با مقام فتوی نشان‌دهنده این است که افتاء از مسئولیت‌های بسیار حساس است، اما روشن است که چنین اهمیتی در ساحت مربوط به صرف روایت وجود ندارد.

پس روایت ضعیف‌السند دارای شهرت عملی همان فتوای تعداد قابل توجهی از فقیهان است و روایت صحیح‌السند (با توجه به اینکه اکثر راویان زنجیره سند فقیه نیستند) صرف گزارش یک محموله است. بنابراین در تعارض بین این دو، روایت مورد فتوا بر دیگری مقدم است.

۳. ۱. ۴. کم‌تر بودن امکان سهو مشهور نسبت به یک راوی

مشهور علمای شیعه، اعم از اصحاب ائمه علیهم‌السلام، متقدمان و متأخران تا عصر ما وثوق صدوری و اطمینان به خبر را از هر راه عقلانی که حاصل شود، ملاک پذیرش خبر دانسته‌اند. (اکبر نژاد، ۱۳۹۱: ۱۹۶) حصول اطمینان در این نگاه براساس قرائن مختلفی است که بازگشت به بنای عقلا در تعامل با هر خبری دارد. بنابراین در صورت تعارض دو قرینه هم باید با همان نگاه عقلانی به فکر راه حل بود.

از آنجا که در نگاه عقلا احتمال سهو چند نفر با هم نسبت به یک مطلب از احتمال سهو یک نفر نسبت به همان مطلب کم‌تر است، در تعارض قرینه شهرت

عملی با وثاقت راوی، عمل مشهور مقدم خواهد بود. تعلیل علامه حلی در کنار گذاشتن بخشی از خبر که مخالف با مشهور است، مؤید همین مطلب است: آن مقدار از خبر که مشهور با آن مخالفت کرده‌اند، مورد قبول قرار نمی‌گیرد؛ زیرا احتمال بروز اشتباه از یک جماعت نسبت به یک نفر کمتر است. (علامه حلی، ۱۴۲۵: ۳/۴۵۲)^۱

همچنین علامه در المختلف پس از بیان دیدگاه علما در مسئله تقسیم اموال بغاة و ظالمان که لشکر آن را جمع نموده، قول مشهور مبنی بر جواز تقسیم را پذیرفته است و در مقام استدلال می‌نویسد که احتمال اشتباه کردن افراد بیشتر نسبت به اشتباه کردن افراد کم‌تر، بسیار نادر بوده و در نتیجه ظن به درستی دیدگاه اکثر و خطای قول مقابل بیشتر می‌گردد. (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴/۵۱۴)^۲

۳. ۱. ۵. نزدیک‌تر بودن خلل جهت صدور خبر صحیح‌السند

عمل مشهور به خبر ضعیف‌السندی که متعارض با خبر صحیح‌السندی است، نشان از خللی در خبر صحیح‌السند است؛ این تقیصه می‌تواند در صدور آن باشد که ناشی از عللی مانند کثرت وضع و جعل است و یا در جهت صدور باشد که با توجه به صحت سند روایت در محل بحث، نزدیک به واقع همین گزینه است. که بر اساس نظرات فقها، تقیه از اسباب چنین رخدادی است.

مرحوم حائری در مسئله تجدید طهارت در صورت بروز حدث سهوی در نماز و ادامه دادن آن، شهرت اعراضی فقها از اخبار صحیح‌السندی را دلیل بر صدور تقیه‌ای آن بیان کردند. (حائری یزدی، ۱۴۰۴: ۲۹۲)^۳

۱. ... أما القدرُ الذی خالفوه فيه فالأقوى عدمُ قبوله، لأنَّ تطرَّقَ السهوُ والخطأُ إلى الجماعةِ أبعدُ من تطرُّقه إلى الواحدِ.

۲. إذ تطرَّقَ الغلطُ إلى الأكثرِ أندرُ من تطرُّقه إلى الأقلِ، فيغلب على الظنِّ صوابُ حكمِ الأكثرِ وخطأُ الأقلِ.

۳. لكن اعراضُ المشهور عن الطائفة الثانية مع صحة أسانيدها... يوجبُ سكونَ النفسِ بورودها موردَ التقیه.



همچنین مرحوم مصطفی خمینی درباره روایات نقل شده در کتب و اصول معتبر که فقها از آن اعراض نمودند، مشکل جهت صدور را به عنوان یکی از نقاط ضعف این گونه روایات بیان فرموده است:

اعتماد نکردن مشهور به اخبار صحیح نقل شده در کتب معتبر و عدم فتوا بر اساس آن، دلیل بر وجود نقصان در آن روایت مثل مشکل جهت صدور است. (خمینی، ۱۴۱۸: ۶/۳۹۶)^۱

در مقابل، شهرت اقبالی به روایتی هر چند ضعیف به لحاظ سندی، احتمال وجود نقیصه در آن را نفی کرده و مشعر به دیدگاه واقعی شارع در موضوع روایت است. سخن صاحب حدائق گویای مطالب فوق است:

علت کنار گذاشتن یا تأویل خبر متعارض با شهرت این است که روایات معصومان علیهم السلام به گونه‌های متعددی صادر شده است خصوصاً تقیه که هم زیاد واقع شده و هم موجب اختلاف بین اخبار گردیده است. اما اتفاق شیعیان بر حکمی نشان از مذهب معصومان علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا دیدگاه هر امام با نقل و عمل اصحاب و شیعیان ایشان معلوم می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳/۳۳۷)

۳.۱.۶. مبتنی بودن بر تعریف صحیح و ضعیف قدمایی

توجه به تعریف صحیح و ضعیف از نگاه قدما از دیگر علل تقدیم خبر ضعیف‌السند دارای شهرت عملی بر خبر صحیح‌السند دارای شهرت اعراضی است که آن را با دو مقدمه زیر و نتیجه‌گیری از آن نشان داد:

۱. در تعریف قدما از خبر صحیح به وجود قرائن بر صدور از معصوم علیه السلام اکتفا نمی‌شود، بلکه معیار «عدم معارض اقوی» نیز مد نظر است و در صورت وجود چنین معارضی حکم به ضعف خبر می‌شود، اگر چه قرائنی هم بر صدور آن وجود داشته باشد. (حرّ عاملی، ۱۴۱۸: ۱۵)

۱. آن عدم اعتماد هم علیها، و عدم الإفتاء علی طبقها - بعد نقلهم تلك الأخبار فی أصولهم - دلیل علی ضعفها... منها جهة الصدور أحياناً... .

۲. در میان قرائن قدمایی، «عمل مشهور» جایگاه ویژه بلکه از قدرتمندترین گزینه‌ها بر صدور خبر است، چنانکه در کلامی چنین آمده است:

شهرت عملی قدما خصوصاً نسبت به خبر ضعیف سندی از قوی‌ترین قرائن اطمینان به صدور خبر است، بلکه هر چه ضعف سندی بیش‌تر باشد، عمل مشهور موجب اطمینان به صدور بیشتر می‌گردد. (آملی، ۱۴۱۶: ۵۱/۱)^۱

به تعبیر برخی از معاصران، اگر روایتی سند ضعیفی داشت، ولی چون مشهور به آن عمل کرده‌اند، ما اطمینان پیدا می‌کنیم که از معصوم صادر شده است، اما اگر روایتی سند صحیحی داشت؛ ولی مشهور از آن اعراض کرده‌اند، اطمینان به صدورش حاصل نمی‌شود؛ لذا از حجیت ساقط می‌شود. (محمدی ری شهری، درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۷/۲۷)

با این بیان، شهرت عملی ممیز حجت از لاحجت خواهد بود.

در نتیجه، خبر صحیح سندی که معارض با خبر ضعیف‌السند منجبر به عمل مشهور است، از نگاه قدما صحیح نیست، زیرا معارض اقوایی به نام «عمل مشهور» دارد و در مقابل خبر ضعیف‌السند منجبر به عمل مشهور در نگاه ایشان صحیح شمرده می‌شود. بنابراین با این نگاه، محل بحث در حقیقت تعارض بین خبر صحیح و ضعیف قدمایی است و در این تعارض، یقیناً روایت صحیح قدمایی (خبر منجبر) مقدم خواهد بود.

۳.۲. ادله تقدیم خبر صحیح‌السند بر خبر ضعیف‌السند دارای شهرت

طبق دیدگاه دیگر خبر صحیح سندی بر ضعیف‌السند مقدم است اگر چه مشهور به خبر ضعیف‌السند عمل کرده باشند. ریشه این سخن، تعریف صحت و ضعف خبر در نگاه متأخران است که ملاک آن را منحصر در وضعیت سند حدیث به لحاظ اتصال و حالات راویان آن می‌دانند. اینک به بیان ادله‌ای بر قول مذکور می‌پردازیم:

۱. ان استناد الشهرة القدمانية بخبر من أقوى أسباب الوثوق بصدور لا سيما إذا كان الخبر ضعيفاً في نفسه بل كلما كان أضعف بصير الاستناد إليه موجباً لقوائمه.



۳. ۲. ۱. اطلاق ادله نقلی حجیت خبر واحد ثقه

طبق حجیت تعبدی در خبر واحد، موضوع حجیت در ادله نقلی (مانند آیه نبأ و ...) نقل خبر از سوی راویان ثقه است، بدون آنکه مقید به قید خاصی شده باشد. بنابراین می‌توان گفت که اخبار ثقه مطلقاً حجت است حتی اگر ظنی خلاف آن وجود داشته باشد.

با این بیان، وجود دلیل ظنی مانند شهرت بر خلاف روایت صحیح‌السند، موجب وهن آن نخواهد شد (رک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۳۲)، زیرا اطلاق ادله حجیت، روایت صحیح‌السند مخالف مشهور را نیز شامل شده و حجیت آن را اثبات می‌کند.

در مقابل، حدیث ضعیف‌السند مشمول ادله حجیت نخواهد بود. به بیانی دیگر، اعتبار روایت صحیح‌سندی مخالف مشهور هم دارای مقتضی حجیت است (بنا بر ادله حجیت خبر واحد ثقه) و هم مانعی برای حجیت آن وجود ندارد (با تمسک به اطلاق ادله)، به خلاف ضعیف‌السند که اصلاً اقتضای اعتبار در آن موجود نیست (بنابر مسلک متأخران).

بنابراین در اینجا تعارض بین دو حدیث است که یکی حجت بوده و دیگری حجیت ندارد و یقیناً آن که حجت است (خبر صحیح‌السند)، مقدم خواهد بود.

۳. ۲. ۲. عدم انجبار و انکسار سند با شهرت عملی

از مباحث تأثیرگذار در تعامل با اخبار، قاعده جبران ضعف حدیث و نقصان صحت آن به شهرت است؛ یعنی شهرت اقبالی علما به حدیث ضعیف‌السند جابر ضعف آن و شهرت اعراضی ایشان از حدیث صحیح‌السند موجب وهن آن می‌گردد. هر چند، مشهور این قاعده را پذیرفته‌اند (رک: نائینی، ۱۳۷۶: ۷۸۷/۴) اما برخی با آن مخالف‌اند.

آیت الله خویی در مصباح الاصول می‌گوید: «هر یک از خبر ضعیف و فتوای مشهور حجت نیست و کنار هم قرار گرفتن دو امر لاحجت هم موجب حجیت نمی‌گردد». (خویی، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۵)^۱

ایشان در جایی دیگر قرار گرفتن شهرت در کنار خبر ضعیف را مانند قرار گرفتن سنگ در کنار انسان دانسته که هیچ اثری بر آن مترتب نیست. (خوئی، ۱۳۷۷: ۱/۱۹)^۲

به عنوان مثال، در فقره‌ای از روایت صحیح زراره آمده است:

وَقَالَ إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ العَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ
بَعْدَ فَرَغِكَ فَأَنْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ العَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَزْبَعُ مَكَانَ أَزْبَعٍ

اگر نماز ظهر را فراموش کرده و در حال نماز عصر یا بعد از اتمام آن یادش آید که ظهر را نخوانده است، نماز را به عنوان نماز اول نیت کرده و سپس نماز عصر را می‌خواند و چهار رکعت خوانده شده به جای چهار رکعت فراموش شده می‌باشد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۲۹۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۱۰)

اما مشهور فقها در مورد کسی که بعد از فراغ از نماز عصر یادش بیاید که نماز ظهر را نخوانده است، عدول از نماز عصر به ظهر را نپذیرفتند و این به معنای اعراض مشهور از صحیح زراره است، لذا بسیاری از علما اشکال کرده‌اند که این روایت به خاطر اعراض اصحاب قابل عمل نیست. با این حال برخی مانند محمدتقی شهیدی بنا بر اینکه اعراض مشهور را موهن ندانسته، به این روایت عمل کردند. (شهیدی، درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۱/۷)

۱. إن الخبر الضعیف لا یكون حجّة فی نفسه علی الفرض، و كذلك فتوی المشهور غیر حجّة علی الفرض أيضاً، و انضمام غیر الحجّة إلى غیر الحجّة لا یوجب الحجّة، فإن انضمام العدم إلى العدم لا ینتج إلا العدم.

۲. إنما الشهرة بالنسبة إلى الخبر كوضع الحجر فی جنب الإنسان فلا بدّ من ملاحظة نفس الخبر فان كان جامعاً لشرائط الحجّة عیلاً به و إلا فان ضمّ غیر حجّة إلى مثله لا ینتج الحجّة.



روشن است که با این نگاه، محل بحث از نوع تعارض حجت با لاجبت بوده و بنابراین باید به حجت عمل نمود. ضمن اینکه بر فرض پذیرش شرط حجت بودن هر دو دلیل در تعارض اصطلاحی، مورد مذکور خارج از بحث تعارض خواهد بود.

۳.۲.۳. خروج اخبار ضعیف متأخرینی از دایره حجت

ادله حجت خبر واحد حاکی از آن است که مهم‌ترین دلیل، سیره عقلاست گرچه در تقریب این دلیل بین مسلک قدمایی و متأخران تفاوت وجود دارد.

آیت الله خویی در تبیین این مطلب می‌نویسد:

عمده دلیل در حجت خبر واحد سیره عقلاست... مقتضای این سیره اعتبار روایات صحیح، حسن و موثق است، زیرا عقلا به این سه نوع حدیث عمل می‌کنند... روایات ضعیف از موضوع ادله حجت خبر خارج است، زیرا عقلا به آن عمل نمی‌کنند. علاوه بر این در صورت شک در شمول سیره بر عمل به خبری، حکم به عدم حجت خواهد شد؛ چون سیره دلیل لیبی است و باید به قدر متیقن اکتفا کرد. (خویی، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۴)^۱

اطلاق خروج روایت ضعیف از دایره حجت اخبار، خبر ضعیف‌السندی را که علما به آن عمل نمودند، شامل می‌شود، ولی روایات صحیح‌السندی که علما از آن روی گرداندند، مشمول اطلاق حجت اخبار صحیح می‌گردد و بنابراین خبر ضعیف مطلقاً توان تعارض با خبر صحیح‌السند را ندارد.

۳.۳. ادله قائلان به توقف و احتیاط عملی

برخی با رخداد تعارض مذکور جانب احتیاط را گرفته‌اند که از بررسی سخنان ایشان می‌توان دو دلیل زیر را بیان کرد:

۱. أنّ العمدة فی حجّة الخبر هی السیرة، ... ولا یخفی أنّ مقتضى السیرة حجّة الصحیحة و الحسنة و الموثقة، فإنها قائمة علی العمل بهذه الأقسام الثلاثة... نعم، الخبر الضعیف خارج عن موضوع الحجّة، لأنّ العقلاء لا یعملون به یقیناً، مع أنّ الشک فی قیام السیرة علی العمل به کاف فی الحکم بعدم حجّیته.

۳. ۱. مسلک وثاقت راوی و عدم جرئت بر مخالفت با مشهور

برخی از پیروان روش متاخران که صحت سندی را تمام ملاک صحت روایت در نظر گرفته‌اند، با توجه به تعابیری در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام یارای مقاومت در مقابل مشهور را ندارند؛ تعابیری همچون «الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ»؛ با اکثریت همراه شوید که دست خدا بر سر جماعت است و از تفرقه و جدایی پرهیزید که فرد تنها و یکسو شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسفند دور مانده از گله نصیب گرگ است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

بنابراین در تعارض خبر صحیح‌السند با ضعیف‌سندی مشهور، مردد در تقدیم یکی و کنارگذاشتن دیگری بوده که چنین تردیدی منجر به توقف در فتوا و احتیاط در مقام عمل شده است.

از سخنان برخی از معاصران در بحث تعارض اخبار صحیح با شهرت روشن است که جانب احتیاط را رعایت کرده و از فتوا دادن پرهیز کرده‌اند؛ مثلاً در بطلان روزه به وسیله غبار گفته شده است:

فتوا دادن به بطلان روزه به وسیله غبار مشکل است، ولی فتوا به عدم بطلان مشکل‌تر می‌باشد، زیرا علاوه بر شهرت قول به بطلان، مقتضای اصل و حصر موجود در روایت صحیح هم می‌باشد. بنابراین احتیاط واجب در اجتناب از غبار غلیظ است. (منتظری، ۱۴۲۸: ۱۴۱)^۱

از برخی تعابیر صاحب مدارک نیز چنین برمی‌آید؛ آنجا که چنین گوید: «تأویل روایات صحیح بر قول مشهور مشکل بوده و کنار گذاشتن آن هم به خاطر صحت سند و مطابقت با اصل مشکل‌تر است». (عاملی، ۱۴۱۱: ۳/ ۴۵۸)^۲

۱. فالإفتاء في المسألة بالمنع مشکل، ولكن الفتوى بالجواز أيضاً مع فتوى كثير من أصحابنا بالمنع أشكل وإن كان مقتضى الأصل وكذا الحصر الوارد في صحيح محمد بن مسلم هو الجواز. وكيف كان: فالأحوط الاجتناب عن الغليظ منه.

۲. وتأويل هذه الأخبار بما يطابق المشهور مشکل، واطراحها مع سلامة سندها و مطابقتها لمقتضى الأصل أشكل.

۳.۳.۲. دلیل بودن شهرت و وثاقت راوی در اعتماد به صدور

هر یک از دو خبر در محل بحث همراه با قرینه صدور است که همان «عمل مشهور» و «وثاقت راویان سند» باشد و هر یک از این دو قرینه به تنهایی صلاحیت اطمینان به صدور روایت را دارد.

صاحب هدایةالمسترشدین، وثوق حاصل از خبر ضعیف منجر به شهرت را قطعی و وجدانی برشمرده و در نتیجه تحت ادله شرعی حجیت خبر واحد قرار داده است. آن‌گاه در مفاد آیه نبأ در حجیت شهرت می‌فرماید:

نهایت دلالت آیه، اعتماد به خبر مورد وثوق با توجه به عمل مشهور به آن است و با این بیان، شهرت جایگزین عدالت راوی در وثوق‌زایی برای خبر خواهد بود. (اصفهان‌نی نجفی، بی‌تا: ۴۲۰)^۱

با بیان فوق می‌توان گفت که خبر صحیح‌السند با استناد به وثاقت راویان آن اطمینان‌آور بوده و خبر ضعیف‌السند مورد عمل مشهور هم با استناد به عمل مشهور قابل اعتماد است و بنابراین هر دو خبر تحت ادله حجیت خبر قرار می‌گیرد. با اثبات حجیت هر دو خبر، کنار گذاشتن هر یک از آن دو (که نتیجه دو قول اول است) و فتوا براساس دیگری ترجیح بلا مرجح خواهد بود.

۳.۳.۳. روایات دال بر احتیاط در تعامل با احادیث

در منابع روایی شیعه احادیثی بر وجود روایات صعب مستصعب در میان سخنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛ مثلاً در الکافی عنوانی با «بَابُ فِيمَا جَاءَ أَنَّ حَدِيثَهُمْ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۱) وجود دارد که طبق احادیث آن، هنگامه تردید در پذیرش روایات، پیش از کنار زدن آن احادیث علم آن را به شایستگان حقیقی آن واگذار می‌نماییم.

به عنوان نمونه در حدیثی امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل می‌فرماید که:

۱. غایة ما يدلّ عليه هو الاعتمادُ على الخبرِ من جهةِ الوثوقِ به نظراً إلى اعتمادِهِ بالشهرةِ فيقومُ الشهرةُ مقامَ عدالةِ الراوی فی إفادةِ الوثوقِ بالخبرِ.

حدیث آل محمد علیهم‌السلام صعب و مستصعب است که جز فرشته مقرب الهی یا پیامبر یا بنده‌ای که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن ایمان نیاورد، پس هر حدیثی که از ایشان به شما رسید و قلب شما در برابر آن آرامش یافت و آن را فهمیدید، بپذیرید و هر حدیثی را که دلتان از آن تنفر داشت و آن را نفهیدید، آن را به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و عالم آل محمد علیهم السلام واگذارید. همانا هلاک شده کسی است که حدیثی را که تحمل ندارد، برایش بازگو کنند، و او بگوید به خدا سوگند که چنین نیست، به خدا این چنین نیست، و انکار مساوی کفر است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۱)

فرمایش پایانی این حدیث احتیاط در تعامل با اخبار را به روشنی بیان کرده و در کنار مرحله قبول مطلق و رد مطلق حدیث، مرحله‌ای با عنوان «توقف و رد علم آن به اهل بیت علیهم‌السلام» را قرار می‌دهد.

مواجهه عملی برخی فقها در رعایت احتیاط نسبت به مطلق شهرت علما بر مطلبی، مؤید بیان بالاست؛ به عنوان مثال مدنی کاشانی درباره حکم مشهور فقها در بحث قسامه نسبت به کفایت تکرار قسم از سوی شخص یا اشخاص در جایی که تعداد افراد قسامه کامل نمی‌باشد و اخبار دارای مناقشات سندی و محتوایی هم بر آن وجود دارد، چنین می‌نویسد:

بی توجهی به اجماع علما موجب خروج از دین یا مذهب می‌شود و در نتیجه اعتماد به ادله مذکور مشکل بوده و روی برگرداندن از اجماع مشکل‌تر است. بنابراین احتیاط در ترک فتوا در چنین حالاتی است. (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۶۶)^۱

۱. ان رفع البید عن الإجماعات مستلزمٌ للخروج عن الدین أو المذهب كما لا یخفی و الحاصل ان الاعتماد علی هذه الأدلة المذكورة فی الفتوی مشکلٌ و الاعراض عن الإجماع أشکُلٌ و الاحتیاط ترک الفتوی فی أمثال المقام كما لا یخفی.

بنابراین در صورت چنین تعارضی، توقف نظری و احتیاط عملی بهترین راه به نظر می‌رسد. به تعبیر کلینی در مقدمه «الکافی» بهترین راهکار در مواجهه با اخبار متعارض، واگذار کردن علم آن به معصومان علیهم‌السلام است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۱)^۱

۴. دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد به خلاف روش غالب متأخران که معیار ارزیابی حدیث از حیث صدور، تنها برخاسته از ارزیابی زنجیره اسناد حدیث بر اساس حالات راویان مذکور در علم رجال است باید همسو با قدماى اصحاب و محققان متأخر به مسلک وثوق صدوری اعتقاد داشت. مسلک قدمایی که مبتنی بر سیره عقلاست، در تشخیص اخبار معتبر به مجموعه قراین اعتمادآور تکیه دارد.

در این دیدگاه ملاک اصلی در حجیت خبر واحد، وثوق و اطمینان به صدور آن است و هریک از ویژگیهای راویان (مانند وثاقت یا ایمان) و روایت (مانند شهرت روایی و عملی یا اتقان متن و یا همسویی با کتاب و سنت) می‌تواند قرینه ای برای پیدایش این وثوق و اطمینان به صدور قرار گیرد. پس همان‌طور که گزارش یک راوی موثق، قرینه بر صدور حدیث محسوب می‌گردد، عمل تعدادی از علما به روایتی هم همان نقش را ایفا می‌کند. بنابراین چنان‌چه قبل از بررسی سند، نباید حدیثی را متصف به صحت یا ضعف کرد، بدون در نظر گرفتن عملکرد مشهور نسبت به روایتی هم معنون کردن آن به عنوان صحت یا ضعف قابل پذیرش نیست. بنابراین در رفع تعارض مورد بررسی در این نوشتار باید گفت:

اولاً عمل تعدادی از علما بر خبر ضعیف سندی با توجه به جایگاه ایشان که عمل مقلدان را نیز در پی دارد، برای چشم‌پوشی بر ضعف سندی روایت (نه ضعف خود روایت) و حکم به اعتبار حدیث کافی است. به تعبیر محقق حلی، «فما قَبِلَهُ الْأَصْحَابُ أَوْ دَلَّتِ الْقُرَائِنُ عَلَى صِحَّتِهِ عَمَلُ بِهِ، وَ مَا أَعْرَضَ الْأَصْحَابُ عَنْهُ أَوْ شَدَّ، يَجِبُ اطْرَاحُهُ» روایتی که فقها قبول کرده یا قرآنی بر صحتش دلالت می‌کند، عمل

۱. و لا نجدُ شيئاً أحوطَ و لا أوسعَ من ردِّ علمِ ذلكَ كلِّه إلى العالمِ عليه السَّلام.

می‌شود و کنار گذاشتنِ روایت موردِ اعراضِ ایشان یا شاذ واجب است». (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۲۹/۱)

ثانیاً نگاه انحصاری به قرینه وثاقت راویان برای تمییز روایات صحیح از ضعیف و کنار زدن سایر قرائن عقلانی همچون شهرت عملی، مخالف با سیره عقلای در تعامل با اخبار و روش عملی بسیاری از بزرگان در طول تاریخ بوده که ناتمام بودن این روش در جای خود بیان شده است.

ثالثاً قول به توقف در فتوا و رعایت احتیاط در صورت نبودِ مرجح خوب است ولی اطلاقِ قول به توقف محل اشکال است، اگرچه در برخی از موارد به خاطر اهمیت موضوع و امکان احتیاط «طریق النجاة» می‌باشد.

مؤید مهم بر این دیدگاه تعابیر آمده در اخبار علاجیه است؛ تعبیر «يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَّا بِهِ الْمُجْمَعِ عَلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَيُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعِ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۷) در مقبوله عمر بن حنظله و تعبیر «خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَدَعْ الشَّاذَّ النَّادِرَ» (احسائی، ۱۴۰۵: ۴/۱۳۳) در مرفوعه زراره. اگر چه مراد از شهرت در این روایات مورد اختلاف می‌باشد که آیا شهرت روایی است یا شهرت عملی و یا مجموع آن دو (ر.ک: شهیدی، محمدتقی، درس خارج اصول، ۱۳۹۸/۰۱/۲۷)، ولی به عنوان تأیید قول مختار در ترجیح روایتِ دارای شهرت عملی بر خبر صحیح‌السند مفید خواهد بود.

تعبیر «نفی ریب» نسبت به روایت مشهور در مقبوله فوق نیز مؤید نظر مختار است؛ زیرا درباره آن، در لسان العرب به نقل از برخی لغویان این دو تعبیر آمده است: «از تَبَّتْ فَلَانًا أَي اْتَهَمْتُهُ» و «هُوَ بِمَعْنَى الشَّكِّ مَعَ التُّهْمَةِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۴۲) که این مطلب را می‌رساند که وجود شهرت در کنار روایتی، تهمت عدم صدور آن را برطرف می‌کند و این همان اعتبارزائی عمل مشهور است که در اعتبارسنجی روایات باید ملاحظه گردد.

نتیجه:

۱. اتخاذ هر مبنا در موضوعی، پیامدهایی را خواهد داشت که نباید از آن غفلت نمود. محل بحث نمونه بسیار روشنی بر این مطلب است که پذیرش هر یک از دو روش قدما یا متأخران در صحت و ضعف خبر، تأثیر مستقیمی در شیوه رفع تعارض خبر ضعیف‌السند منجبر به عمل مشهور با خبر صحیح‌السندی دارد تا جایی که مسلک سندمحوری در تشخیص صحت خبر، چشم انسان را بر قرینه مهم‌تر شهرت بسته در حالی که ارجحیت واقع‌نمایی عمل مشهور نسبت به نقل یک راوی بر هیچ‌کسی پوشیده نیست.

۲. مشهور فقها در تعارض دو خبر صحیح‌السند دارای شهرت اعراضی و ضعیف‌السند دارای شهرت اقبالی، قائل به تقدیم خبر ضعیف‌السند مورد عمل علما هستند که ادله عقلانی مختلفی بر آن می‌توان برشمرد؛ از جمله: توجه به جایگاه علما، مهم‌تر بودن مقام فتوا نسبت به مقام روایت، کم‌تر بودن احتمال سهو مشهور نسبت به احتمال سهو راوی، ... اما در مقابل، مبتنی بر نگاه انحصاری به قرینه وثاقت راویان در تمییز صحت و سقم خبر، طرفین تعارض مذکور، خبر صحیح‌السند حجت و ضعیف لاجت بوده که نتیجه آن تقدم خبر صحیح‌السند می‌باشد.

۳. نگاه درست در اعتبارسنجی روایات، حصول اطمینان به صدور آن با توجه به قراین مختلف است که یکی از آن‌ها وثاقت راویان است و در کنار آن از قرائن مهمی همچون شهرت عملی نباید غفلت نمود. با این نگاه، هر گاه علم عادی و وثوقی نسبت به خبری حاصل شد، مورد اعتماد خواهد بود. سیره عملی قابل توجهی از فقها در طول تاریخ همین ارزیابی و گزینش روایات بر معیار وثوق خبری محصول قراین بوده است. بنابراین عمل مشهور اعتبارزا نسبت به روایتی است و در مقابل، اعراض مشهور از روایتی موجب زدودن اعتبار از چهره آن می‌گردد و با این نگاه قول به تقدیم خبر ضعیف‌السند دارای شهرت عملی بر صحیح‌السند که مبتنی بر سیره عملی متقدمان در تعامل با اخبار معصومان علیهم‌السلام است، ترجیحاتی بر سایر اقوال دارد و بنابراین در تعارض مذکور، خبر ضعیف مقدم می‌شود.

منابع و مأخذ:

- آخوند خراساني، محمد كاظم (١٤٠٩)، كفاية الأصول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- آملی، ميرزا محمد تقی (١٤١٦)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- آملی، ميرزا هاشم (١٣٨٦)، تحرير الأصول، قم: مكتبة الداوری.
- ابن فارس، احمد، (١٤٠٤)، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
- احساني، ابن ابی جمهور (١٤٠٥)، عوالي اللئالی العزیزية فی الأحاديث الدينية، قم: دار سيد الشهداء للنشر.
- اصفهانی نجفی، محمد تقی (بی تا)، هداية المسترشدين، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- اكبر نژاد، محمد تقی (١٣٩١)، سيد كاظم يزدی و حجيت عمومي روايات شيعه، مجله فقه، ١٩.
- انصاری، مرتضى بن محمد امين (١٤١٦)، فرائد الأصول، ج ٥، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- بحرانی، يوسف بن احمد (١٤٠٥)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- بروجردی، سيد حسين (١٤١٧)، تقاريرات فی أصول الفقه، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- بروجردی، سيد حسين (١٤١٦)، تقرير بحث السيد البروجردی، مقرر: علی پناه اشتهاردی، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- جناتی شاهرودی، محمد ابراهيم (بی تا)، ادوار فقه و كیفیت بیان آن.
- حائری یزدی، عبد الكريم (١٤٠٤)، كتاب الصلاة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامي.
- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤١٨)، رسالة فی الغناء، قم: نشر مرصاد.
- حسینی تهرانی، سيد محمد حسين (١٤١٨)، ولاية الفقيه فی حكومة الإسلام، بيروت، دار الحجّة البيضاء.
- حكيم، سيد محسن (١٤١٠)، منهج الصالحين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.

- خمینی، مصطفی (۱۴۱۸)، *تحریرات فی الأصول*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲)، *مصباح الأصول*، قم: مؤسسه احیاء آثار السيد الخوئی.
- خویی سید ابوالقاسم (۱۳۷۷)، *مصباح الفقاهه*، قم: مكتبة الداوری.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴)، *المحصول فی علم الأصول*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۵)، *الرسائل الأربع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم: نشر هجرت.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹)، *ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳)، *الرعايه، تحقیق حسین بقال، الطبعة الثانية*، قم، مكتبة المرعشی النجفی.
- صدر، حسن (بی تا)، *نهاية الدرایه، تحقیق ماجد الغرباوی*، قم، المشعر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، سید محمد (۱۴۱۱)، *مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی (شیخ بهایی)، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *مشرق الشمسین*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، چاپ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵)، *نهاية الوصول الى علم الأصول*، قم: موسسه الامام الصادق عليه السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد: *العین*، قم، هجرت، ۱۴۰۵ ق.
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا)، *المصباح المنیر*، قم: منشورات دار الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸)، *مقباس الهدایة*. قم: دلیل ما.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: مؤسسه سید الشهداء عليه السلام.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۰)، *کتاب القصاص للفقهاء و الخواص*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسین علی (۱۴۲۸)، *کتاب الصوم*، قم: انتشارات ارغوان دانش.
- موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۷)، *الاجتهاد و التقليد (التعليقة على معالم الأصول)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۶)، *فوائد الاصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۱۱)، *کتاب الصلاة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۵)، *الفوائد الحائریة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۲۴)، *مصایب الظلام*، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی